



پروفیسر شمس گاہ علوم انسانی و مطالعات نسوانی  
پرتال جامع علوم انسانی

محمد سرور رجایی

برنامه افتتاحیه بود که با اجرای عبدالرحیم جعفری، شاعر و آهنگساز جوان افغانستانی، و گروه همراهش لحظات شاد و به یاد ماندنی را در این جشنواره فراهم آوردند.

شب دهم آبان ماه برای شاعران جوان و نویسندگان جوان افغان شی بسیار مُقْتنم و به یاد ماندنی بود تا در هتل فردوسی تهران محل اقامت مهمانان جشنواره دور هم باشند. مراسم داستان‌خوانی در سالن هتل فردوسی با حضور استاد اعظم، رهنورد زریاب نویسنده بزرگ افغانستان و زبان فارسی، که از کابل تشریف آورده بود و ابوطالب مظفری، محمدرضا گودرزی و محمدحسین محمدی داوران نهایی بخش داستان این جشنواره برگزار شد. این برنامه که به مدت سه ساعت ادامه داشت ادیبان جوان افغان آخرین اثرشان را به خوانش گرفتند. همچنان استاد زریاب داوران بخش داستان این جشنواره و آقای سنایور داور بخش داستان در جشنواره قبلی با تحسین از کارهای خوانده‌شده راهکارهای مفید و ارزشمندی را توأم با تجربه‌های موفقشان در این عرصه در اختیار جوانان نویسنده افغان گذاشتند تا سرلوحه راهشان قرار دهند.

کما نزدیک‌تر به آسمان در سالن طبقه چهارم این هتل چنین فرصتی نصب شاعران هم شده بود تا در یک محفل شعرخوانی غیر رسمی و صمیمانه، مهمانان، اعضای خانه ادبیات و عوامل جشنواره آخرین سروده‌هایشان را برای هم بخوانند. این محفل که با حضور سید ابوطالب مظفری شاعر فرهیخته معاصر افغان و سید ضیا قاسمی دبیر جشنواره همراه بود حدود دو ساعت ادامه داشت و با شعرخوانی استاد ابوطالب مظفری به پایان رسید.

روز دوم، یعنی دهم آبان ماه، روز دیگری بود مجتمع فرهنگی ورشو میزبان علاقه‌مندان ادبیات افغانستان و ادبیات پایداری ایران بود. بعد از اینکه چند تن از شاعران و نویسندگان جوان افغان با قرائت آثارشان جلوه‌هایی از ادبیات افغانستان را نشان دادند، نوبت به برنامه چشم‌انداز شعر پایداری ایران رسید، تا نسل جوان تر ادبیات افغانستان با دست‌آوردهای هم‌زمانانشان در این زمینه بدون واسطه و از نزدیک آشنا شوند. حالا که «شعر پایداری» یا شعر جنگ در ایران حقیقت ظهورش را تثبیت کرده و به یک واقعیت جلاناپذیر ادبی رسیده است بهتر است به گفته استاد کاظم کاظمی، شاعر نامدار افغانستان، توجه کنیم که درباره شعر پایداری می‌گوید:

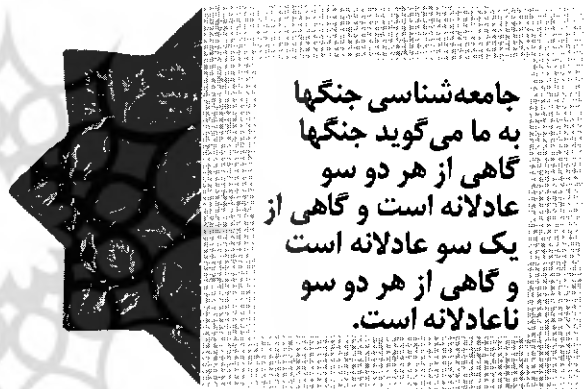
«شعر پایداری همواره وجود دارد حتی اگر جنگ به معنی متعارف آن وجود نداشته باشد به واقع این، مفهوم خود را در آینه‌هایی مختلفی بازتاب می‌دهد مثلاً در سه دهه اخیر در ایران این پایداری در یک مقطع دیگر در شعر جنگ نشان داد و در مقطع دیگر نیز در رویارویی با نارواییهای اجتماعی جلوه کرد. اگر نیک بنگریم فقط سنگربندیها عوض شده است و اگر نه رویارویی حق و باطل همیشه وجود داشته است.»

اگرچه در این بخش از شاعران بزرگ عرصه ادبیات پایداری ایران دعوت به عمل آمده بود اما بعضی از بزرگان به دلایلی تشریف نیاوردند شاید در مجال دیگری این توفیق حاصل شود. ولی حضور عبدالنجار کاکایی نیز حضور ارزشمندی بود و در بخشی از صحبت‌هایش عنوان کرد: «جامعه‌شناسی جنگها به ما می‌گوید جنگها گاهی از هر دو سو عادلانه است و گاهی از یک سو عادلانه است و گاهی از هر دو سو ناعادلانه است.»

افغانستان همه این نوع جنگها را تجربه کرده و ادبیاتی که در بیشتر این اتفاقات به وجود می‌آید دارای ارزش و ارزش‌گذاری می‌شود. در این بخش شعرخوانی علی داوودی، علی محمد مؤدب و امید مهدی‌نژاد

حوالی ساعت چهار عصر هشتم آبان ماه بود. هوای ابری و دانه‌های ریز باران هوای دل‌انگیزی را توید می‌داد. جمعیت زیادی در محوطه مجمع فرهنگی باغ ورشو در تهران، افتتاح چهارمین جشنواره ادب قند پاریس را انتظار می‌کشیدند در این میان جوانان شاعر و نویسنده افغانستان که از چندین شعر ایران به جشنواره دعوت شده بودند، بیشتر از همه منتظر آغاز کار جشنواره بودند.

مهمانان ویژه از سفارت افغانستان تهران، وزارت امور خارجه ایران، وزارت امور خارجه افغانستان و جمعی از چهره‌های نامدار فرهنگی و ادبی ایران، افغانستان و تاجیکستان با حضورشان مراسم افتتاحیه چهارمین جشنواره ادبی قند پاریس را رونق و شکوه دوچندان بخشیده بودند. سالن بزرگ و زیبای مجتمع فرهنگی ورشو از حضور این همه جمعیت جوان و مشتاق ادبیات فارسی به خود می‌بالید. طراحی زیبایی سالن تمام حضار را به وجد آورده بود. در این میان با تلاوت قرآن کریم توسط قاری نوجوان افغان هدایت‌الله عصمتی و پخش سرود ملی افغانستان جشنواره چهارم رسماً کار خود را آغاز کرد.



جامعه‌شناسی جنگها  
به ما می‌گوید جنگها  
گاهی از هر دو سو  
عادلانه است و گاهی از  
یک سو عادلانه است  
و گاهی از هر دو سو  
ناعادلانه است.

سید علی عطایی به عنوان مجری برنامه اول در جایگاه قرار گرفت، تا مزه مزه گری نوای همدلی و مهربانی باشد. وی ابتدا از سید ضیا قاسمی، دبیر خانه ادبیات و دبیر جشنواره چهارم قند پاریس، دعوت کرد تا در جایگاه قرار گیرد.

دبیرخانه ادبیات افغانستان، ضمن خیر مقدم به چهره‌های برجسته فرهنگی و ادبی و مهمانان جشنواره و با اظهار سپاس از ارگانهایی که خانه ادبیات افغانستان را در امر برگزاری این جشنواره یاری می‌کردند در قسمتی از سخنان خود چنین گفت: «ما بر این باور هستیم که زبان و ادبیات فارسی توانایی این را دارد که در سطح بالای جهانی مطرح شود ولی لازمه این امر مهم را در این می‌دانیم که فارسی‌زبان در تمام منطقه و در تمام نقاط جهان همدلی و تعامل بیشتری داشته باشند، تا در جهان جایگاهی شایسته زبان فارسی است دست یابد.»

قسمت بعدی برنامه افتتاحیه قرائت پیام رئیس جمهوری محترم افغانستان، حامد کرزی، توسط دکتر عبدالغفور آرزو شارژ دافر سفارت افغانستان در تهران بود و به مجلس شکوه خاصی بخشید. شاید پیام رئیس دولت اسلامی افغانستان از کابل در جشنواره ادبی قند پاریس در تهران نقطه عطفی باشد و زمینه‌ساز توجه بیشتر مسئولان دولت افغانستان در فرهنگ و ادبیات کهن فارسی و شکوه این ادبیات را به ارمغان بیاورد.

برنامه افتتاحیه با شعرخوانی و داستان‌خوانی جمعی از مهمانان جشنواره ادامه یافت تا نوبت به اجرای موسیقی افغانی رسید. اجرای موسیقی در بخش دوم



که از چهره‌های برتر این عرصه‌اند فرصت بسیار ارزشمندی بود که نصیب هم‌مانان جشنواره قند پارسی گردید. این برنامه با اجرای موسیقی سنتی افغانستان به پایان رسید.

در روز دوم جشنواره سالن در مقابل حضور انبوه مشتاقان ادبیات فارسی و جوان افغانستان کوچکی می‌نمود. جمعی از نویسندگان و شاعران در میان تشویق حضار آخرین اثرشان را قرائت کردند و نوبت به به‌یادماندنی‌ترین بخش جشنواره رسید، بخش بزرگ‌داشت استاد محمداعظم رهنورد زریاب پیرمرد سپیدموی داستان افغانستان و افتخار داستان فارسی. سید ضیا قاسمی دبیر جشنواره قند پارسی، مجری این بخش بود.

محمود دولت‌آبادی، داستان‌نویس بزرگ ایران و زبان فارسی و خالق رمان کلیدر، با ستودن تلاش‌های فرهنگی و ادبی زریاب اظهار داشت: «بهترین راه آشکار سازی یک نویسنده آن است که آثار او خوانده شود. البته برخی از داستانهای زریاب را به آسانی نمی‌توان فهمید و خواند و این سبب کثرت تأثیر گذاری آنهاست. نیز مشترکات بسیاری بین یک نویسنده افغان و ایرانی وجود دارد.»

وی با بیان این مطلب که داستان بلند «گلنار و آینه» را با اشتیاق خوانده است ادامه داد: «بخشی از داستانهای زریاب در دهه ۵۰ نوشته شده و فضای داستانهای او در آن دوره نزدیک به فضای زندگی ما در آن سالهاست و گویی داستانهایش در نیشابور خود ما رخ داده است.» دولت‌آبادی سپس در میان تشویق‌های حاضران یکی از داستانهای زریاب را خواند.

ابوطالب مظفری، سردبیر فصل‌نامه «خط سوم» و عضو هیئت داوران بخش داستان جشنواره، سخنران بعدی برنامه بود. وی در بخشی از سخنان خود چنین گفت: «ما چهره‌های ماندگاری در تاریخ فرهنگ افغانستان داریم، از آن جمله استاد زریاب که شخصیتی زندانه دارد که بیش از هر عالم و روشنفکری می‌تواند برای افغانستان مفید باشد و مشکلات را از دوش این کشور بردارد. آنچه ما را می‌رساند آن است که رندی در شخصیت انسانی وجود داشته باشد و برای ما راهگشا باشد که متأسفانه روشن‌فکران از این قضیه غافل‌اند و تنها کسی که چنین ویژگی‌ای دارد، استاد زریاب است. او خود را یک روشن‌فکر تمام‌عیار فرض نکرده بلکه با تمام قوا اعتراض می‌کند و برای فرهنگ آشفته وطن خویش تلاش و استقامت می‌کند.» سردبیر خط سوم در ادامه گفت: با اینکه در افغانستان، تفکر دموکراسی بسیار مُد است و تفکر ایران‌گریزی و فارسی‌گریزی اما زریاب کوشیده است که بنیانها را محفوظ نگه دارد حتی با وجود آنکه روشنفکران ما در دایره محدود قومی بیرون نمی‌روند.»

حمیرا قادری مدیر انجمن هنرمندان افغان مقیم تهران در سخنانی می‌گفت: «زریاب ریشه تنومند داستان‌نویسی افغانستان است و از مباحث ماست که در اطراف این ریشه شاخه‌دوانی کنیم.»

در ادامه برنامه در میان تشویق بی‌امان حضار محمداعظم رهنورد زریاب داستان‌نویس برجسته افغانستان سخن‌رانی خود را این‌گونه آغاز کرد: ما باید خودمان را خوش‌بخت و شاد بدانیم، زیرا اگر چیزی دیگر در چپته نداشته باشیم ادب پارسی را داریم که قابل بالیدن و افتخار کردن است. زبان پارسی با گذشته درخشان، دایره وسیع را زیر سلطه خود داشته است چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ فرهنگی پوشکین بهترین شاعر روسیه در بسیاری از موارد از ادب پارسی تأثیر پذیرفته است.

پائولو کوئیلو در کیمیایر آنچه را گفته است که پیش از او مولانا در مثنوی

معنوی سروده بود. زبان فارسی میراث مشترک کشورهای پارسی‌زبان از جمله ایران، افغانستان و تاجیکستان است. زریاب درباره اینکه چرا زبان پارسی را زبان دری نیز می‌گویند گفت: «در دهه ۳۰ خورشیدی شماری از پژوهشگران افغانستان که به گونه به زبان آرکائیک علاقه‌مند بودند، دریافتند که این زبان را در گذشته دری گفته‌اند و بهتر است این واژه را جانشین لفظ پارسی کنند هم‌چنان که فردوسی نیز از لفظ دری درباره این زبان بهره گرفته است.»

وی ادامه داد: «در این میان آنچه مهم است روح زبان پارسی است ما باید این روح را تجلیل کنیم و از این روح بزرگ الهام بگیریم. بدون شک فرقه‌هایی بین زبان ما در ایران، افغانستان و تاجیکستان وجود دارد که همه این تفاوتها در لهجه‌هاست و تفاوت در زبان محسوب نمی‌شود.

در بخش پایانی این جشنواره خانه ادبیات افغانستان یاد و خاطره زنده‌یاد منوچهر آتشی، شاعر بزرگ معاصر را که داور دوره‌های گذشته جشنواره بود، زنده نگه داشت.

سرتاجام نوبت به مهیج‌ترین قسمت جشنواره چهارم رسید، یعنی اعلام اسامی نفرات برتر و برگزیده.

شاعران و نویسندگان جوان افغانستان در یک سکوت توأم با نگرانی سرا پا گوش بودند. خانم محبوبه ابراهیمی، مدیر علمی جشنواره، بیانیه هیئت داوران را قرائت کرد. در بخشی از این بیانیه آمده بود: متأسفانه در بخش داستان با ضعف نسبی آثار در مقایسه با دوره‌های پیشین مواجه بوده‌ایم و این مسئله در یک‌نواختی تکنیک، فاصله گرفتن از معیارها، سهل‌انگاری در زبان و دور شدن از خاصیت بومی و وطنی به چشم می‌خورد. در بخش شعر، خوشبختانه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به دوره‌های قبل به وقوع پیوسته است شعرها از عمق کافی نسبت به زبان و بیان برخوردار بودند. آثار و چهره‌های جدید نویدبخش دورنمایی روشن است.

در چهارمین جشنواره ادبی قند پارسی نزدیک به دو صد تن از شاعران و نویسندگان جوان افغانستان از سراسر ایران، حتی جنوبی‌ترین شهر ایران یعنی بندرعباس، افغانستان، تاجیکستان و از چند کشور دیگر آثارشان را به دبیرخانه جشنواره فرستاده بودند.

با انجام داوری مرحله اول آثار، ۴۵ نفر شاعر و ۱۰ نفر داستان‌نویس آثارشان به مرحله نهایی راه یافت. در مرحله نهایی در بخش شعر هیئت داوران را آقایان محمد کاظم کاظمی، حافظ موسوی، شاعر برجسته ایرانی، و سید رضا محمدی تشکیل می‌دادند. در بخش داستان سید ابوطالب مظفری، محمدرضا گودرزی نویسنده صاحب‌نام ایرانی و محمدحسین محمدی داوری آثار را به عهده داشتند.

برندگان و برگزیدگان جشنواره جوایزشان در میان تشویق حاضران از دست آقایان محمداعظم رهنورد زریاب، یاسین فخاری، حضرت و هویز ابوطالب مظفری، حافظ موسوی و ضیا قاسمی دریافت کردند و همچنین قاسمی دبیر جشنواره هدیه ویژه را از سوی خانه ادبیات افغانستان به استاد اعظم رهنورد زریاب اهدا کرد.

خانه ادبیات افغانستان این جشنواره را با همکاری مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد مشترک در بازسازی افغانستان مربوط به وزارت امور خارجه، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، بنیاد حفظ آثار و گسترش ارزشهای دفاع مقدس و فرهنگسرای پاینداری برگزار کرد.

## برندگان و برگزیدگان چهارمین جشنواره ادبی قندپارسی

### در بخش شعر:

۱. سید الیاس علوی
  ۲. سید عاطف حسینی
  ۳. زهرا حسین زاده
- برگزیدگان شعر
۱. وجیهه خدانظر
  ۲. زهرا زاهدی
  ۳. روح الامین امینی
  ۴. علی مدد رضوانی

تو را از نیل می گیرم / سید عاطف حسینی - کابل  
تو را از نیل می گیرم  
گیسوانت را کنار سایه می خشکم  
دو چشمت را به آهوه های ناممکن  
تنت را در هرم افسون  
و لبخند و سکوتت را  
به پای بوته های خشک می مانم

□ □ □

پرستوها که برگردند،  
فصل خوبی می نشیند بر سر و شانه  
کیبوترها شروع متن خاموشی دنیا را  
با پالهاشان سخت می شورند  
کسی از شاخه می افتد  
تنت مانند وحی ای، تکه تکه  
فرومی باشد از شوق خدا بر ما  
شانه همامان طاقت اندوهستان را  
هیچ دارند؟

□ □ □

کنار موجهات ایل مغول آرام  
شانه هایب در تب یونان  
قدمهایب میان دشتهای سبز ترکستان  
تو باران می شوی نم نم  
مرا در خواب تلخ کودکان شهر  
رابع می کنی کم کم

□ □ □

تو را نیل می گیرم  
تو هم روزی مرا مانند برگ از آب می گیری؟

### در بخش داستان:

۱. فاطمه موسوی
  ۲. سکینه محمدی
  ۳. تینا محمدحسین
- برگزیدگان
۱. آمنه محمدی
  ۲. صدیقه کاظمی
  ۳. بتول محمدی
- نمونه هایی از اشعار برگزیده:
- دیوار / وجیهه خدانظر  
طرح یک سیب سرخ بر دیوار  
کوچه، یک مشت بال و پر، دیوار  
می کشیدند دستهایی سرد  
سایه مرگ روی هر دیوار  
همه جا هر طرف که می رفتم  
روبه رویم به جای در دیوار  
می دویدم دوباره تا برسم  
راه رفته، دوباره سر، دیوار  
بعد هم گردشی مدور و گنگ  
همه دنیای دور و بر دیوار  
صبح فردا و باز روز از نو  
طرح یک سیب سرخ بر دیوار



دریا آرام است / سید الیاس علوی  
موهبت را بیاف شهناز  
آهنگش را باد می نوازد  
خُماری اش را ساحل می کشد  
ترانه اش را ملوانان خسته می خوانند

دریا شراب شیرینی است  
وقتی گندمهای تو نوبهارند  
کشتیها به اسکله برمی گردند  
موهبت را بیاف شهناز



حقیقت تلخی است  
روزها، ماهها  
هنگام که زمینمان چند متر  
و آسمانمان بی شمار  
چون میوه های مزرعه شما در تابستان  
با موجها می فرستم  
دل تنگیهایم را  
دریادل ملوان عاشق است

وقتی به تو فکر می کند  
کشتیها به اسکله نزدیک می شوند  
موهبت را بیاف شهناز



زمستان نزدیک است  
ما به خانه برمی گردیم  
با بارهایی از ابریشم و طلا  
ماهیان کمیاب روی عرشه آر میدهاند  
بعد از تلاشی بیهوده

به ساحل بیا و گوش کن  
سوت کشتیها فریاد من است  
شبها که دریا زخمی است  
در سوگ دخترانش وحشی



کشتیها در اسکله لنگر انداخته اند  
اما کسی برای تو دست تکان نمی دهد  
موهبت را بیاف شهناز  
دریا آرام است  
مبادا زیباترین پسرانش بیدار شوند

نگاه / روح الامین هراتی - هرات  
در را که بست پشت سرش را نگاه کرد  
در آینه دو چشم ترش را نگاه کرد  
در را که بست غیر خودش هیچ کس نبود  
وقتی تمام دور و برش را نگاه کرد  
در را که بست خاطره ها تازه تر شدند  
عکس همیشه پدرش را نگاه کرد  
مثل پرندهای که پرش را شکسته اند  
آشفته گی بال و پرش را نگاه کرد  
دستی به روی خط و خطوط دلش کشید  
این بار زخم کهنه ترش را نگاه کرد  
نفرین به عشق گفت همان لحظه ای که سرخ  
در یک زباله دان جگرش را نگاه کرد

لیلا / علی مدد رضوانی

لیلا مهاجر است که حرفی نمی زند  
آزوده خاطر است که حرفی نمی زند

لیلا نماد غربت این حال و روز ماست  
درد معاصر است که حرفی نمی زند

لیلا برای رنج کشیدن، تمام عمر  
انگار حاضر است که حرفی نمی زند

گم گشته در هیاهوی رنگ و ریای شهر  
انگار کافر است که حرفی نمی زند

لیلا دلش گرفته از این کوجه های تلخ  
فردا مسافر است که حرفی نمی زند

این شعر را برای دل او سروده ام  
این بیت آخر است که حرفی نمی زند

